

مسیحیان و کار



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: پیدایش ۳: ۱۹؛ تثبیه ۱۶: ۱۵؛ خروج ۲۵: ۱۰-۳۰: ۳۸؛ غلاطیان ۵: ۲۲ تا ۲۶؛ جامعه ۹: ۱۰؛ اول قرنتیان ۱۰: ۳۱.

آیه حفظی: «بنابراین ای برادران عزیز من، پابرجا و استوار بمانید. همیشه در کار و خدمت خداوند مشغول باشید؛ زیرا می‌دانید که زحمات شما در خدمت او بی‌نتیجه نخواهد بود» (اول قرنتیان ۱۵: ۵۸).

کار ایده خداوند است. در دنیای ایده‌ال قبل از گناه، خداوند وظیفه مراقبت از باغ عدن را به آدم و حوا سپرد (پیدایش ۲: ۱۵). آنان مانند خالق خود، در شمائل او آفریده شده بودند، و قرار بود در کار خلاقانه و خدمتی محبانه بکار گرفته شوند. یعنی، حتی در جهان قبل از گناه، دنیایی بدون گناه و مرگ و رنج، بشریت موظف شده بود تا کار کند. از ما در این «مدت بین دو دوره» (دوره بعد از دنیای ایده‌ال و پیش از اینکه آن یگانه موعود بیاید)، دعوت شده است تا کار را به عنوان یکی از برکات خداوند در نظر بگیریم. در بین یهودیان، به تمام کودکان حرفه ای آموخته می‌شد. در حقیقت، گفته شده بود که اگر پدری به پسر خود حرفه ای نیاموزد، او را بزهکار بار خواهد آورد.

در همین حال، عیسی، پسر خدا، سالهای زیادی را به عنوان یک پیشه ور ماهر با درستکاری صرف نمود و اراده پدر آسمانی خویش را بجای آورد، و احتمالاً اسباب و لوازم خانگی و کشاورزی مورد نیاز اهالی ناصره را فراهم می‌آورد. (مرقس ۶: ۳).

این هم بخشی از آموزش و آماده سازی او برای رسالتی بود که در پیش رو داشت. پولس رسول مطمئناً همانطور که کار خداوند را انجام می‌داد، در کنار اکیلا و پریسکیلا برای یکسال و نیم به عنوان خیمه دوز مشغول بکار بود، هر سبت به کنیسه می‌رفت و

در آنجا صحبت می کرد و می کوشید تا یهودیان و یونانیان را متقاعد سازد (اعمال ۱: ۱۸ تا ۴؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۸ تا ۱۲). در این هفته به کلیه سؤالات در خصوص کار و نقش آن در آموزش مسیحی خواهیم پرداخت.
درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۲ آذر - ۱۲ دسامبر آماده شوید.

۱۶ آذر

یکشنبه

بسیاری از جنبه های کار

«می دانم که آدمیان را چیزی بهتر از آن نیست که مادام که زنده اند، شادمان باشند و نیکی کنند، و اینکه هر یک بخورند و بنوشند و از دسترنج خویش خرسند باشند، که این موهبت خداست» (جامعه ۳: ۱۲، ۱۳).

«کار» Work، واژه ای با ریشه انگلو- ساکسون، و عاری از پیرایه و تجمات است. در زبان انگلیسی یک واژه سیلابی است، با این وجود از معانی احتمالی بسیاری برخوردار است. ما از روی نیاز کار می کنیم تا خوراکی را بر سر سفره های خود بیاوریم، صورتحسابهای خود را پرداخت کنیم و برای روز مبادا در زندگی پس انداز کنیم. از دست دادن شغل اغلب بدتر از کنار آمدن با وضعیت نامساعد کاری است.

کار می تواند احساس ارزشمند بودن را به فرد بدهد. کار روشی متداول برای پاسخ به این سؤالات که: «شما چکاره هستید؟»، «یا حتی «شما چه کسی هستید؟» بیشتر بازنشستگان بطور پاره وقت تا زمانی که قادر باشند، خواه بصورت حقوق بگیر یا بصورت داوطلبانه کار می کنند. هر روز صبح، داشتن شغل می تواند دلیلی برای برخاستن از خواب باشد. دادن شغل به یک نوجوان می تواند از پدید آمدن یک بزهدار جلوگیری کند.

پیدایش ۳: ۱۹ را بخوانید. پیش زمینه این آیه چیست، و در مورد جنبه دیگر کار، حداقل برای برخی از افراد، چه می گوید؟

پس از سقوط تغییری ناگهانی در کار صورت می گیرد که با کار قبل از سقوط متفاوت بوده است. آیه فوق به جنبه دیگری از کار بعد از گناه اشاره دارد. برای برخی، کار فقط به معنای رنج و زحمت روزانه است که با مرگ به پایان می رسد. آنها در کارهایی اشتغال دارند که از آن بیزارند، و با اینکه هنوز سالم و جوان هستند ولی در آرزوی بازنشستگی می باشند. برای برخی دیگر، کار حتی می تواند تمام زندگی آنان باشد و تبدیل به دلیلی برای حیات آنان شود، حتی منشاء همه جنبه شناسایی هویت فرد باشد. این افراد به دور از کارشان، احساس افسردگی و یا آشفتگی می کنند، مطمئن نیستند که در زندگی چه

کاری انجام دهند یا به کجا پناه ببرند. در دوران بازنشستگی، ممکن است از نظر جسمی و روحی آسیب ببینند، و اغلب دچار مرگ زودرس می شوند.

مسیحیان باید بیاموزند، تا به طریقی که اراده خداوند است کار کنند. کار چیزی بیش از یک ضرورت اقتصادی می باشد و انسان چیزی بیش از یک کارگر است. بدرستی می توان فهمید که زندگی کاری فرد طریقی برای خدمت و بیانگر رابطه شخص با پروردگار است. بخشی از وظیفه یک معلم کمک به دانش آموزان در یافتن کاری است که استعدادها و علایق خدادادی آنها برای رفع نیازهای جهان در آن بکار گرفته شود.

شما چکاری انجام می دهید؟ یعنی، با زندگی خود چه می کنید، و چگونه می توانید با انجام آن نام خداوند را بهتر جلال دهید؟

آذر ۱۷

دوشنبه

کار و پرورش

شغل یا کار با «انجام» زندگی سر و کار دارد. حتی افرادی با مشاغل ذهنی، در آخر به گونه ای کار بدنی انجام می دهند، حتی اگر با فشار بر کلیدهای کامپیوتر باشد.

آیات ذیل در مورد بکارگیری «دست ها» به عنوان یک نماد چه چیزی به ما می آموزد؟

تثنیه ۱۶: ۱۵

جامعه ۹: ۱۰

امثال ۲۱: ۲۵

ارمیا ۱: ۱۶

خداوند ثمره «کار دست هایمان» را به ما بر می گرداند تا با کار و کوشش خود کامروا شویم (امثال ۱۰: ۴؛ ۱۲: ۱۴). در روانشناسی، «خود کفائی» عقیده ای را توصیف می کند که هر شخص توانایی دستیابی و رسیدن به چیزی هدفمند را در زندگی دارد. خودکفائی با تکرار آن افزایش نمی یابد که بگوئیم «من فکر می کنم، می توانم! من فکر می کنم، می توانم!» در واقع، فقط انجام کار باعث پرورش و رشد این حس می شود.

در حالی که «عمل دستهای ما» برکت خداوند برای ماست (مزمور ۹۰: ۱۷) و به ما اجازه می دهد تا زندگی با مفهومی داشته باشیم، هدف غایی خداوند اینست که «عمل دستهای ما» باعث برکت دیگران شود. پولس می نویسد که ما باید کار کنیم، با انجام کارهای مفیدی که با دستان خود انجام می دهیم، به امید خداوند چیزی برای به اشتراک گذاشتن با دیگران خواهیم داشت. مطمئناً، پولس با آن اصل زندگی کرده است:

«خود می‌دانید که به دست خویش، نیازهای خود و همراهانم را فراهم کرده‌ام. از هر لحاظ به شما نشان داده‌ام که باید چنین سخت کار کنیم تا بتوانیم ضعیفان را دستگیری نماییم، و سخنان خود خداوند عیسی را به یاد داشته باشیم که فرمود: دادن از گرفتن فرخنده‌تر است» (اعمال ۲۰: ۳۴، ۳۵).

دعای ساده نِحْمیا باید دعای ما هم باشد: «پس حال خدایا، دستهای مرا قوی ساز» (نِحْمیا ۶: ۹).

چه نگرشی نسبت به شغل خود دارید؟ از چه راههایی می‌توانید از کار خود استفاده کنید تا برکت بیشتری برای دیگران باشد؟

۱۸ آذر

سه شنبه

کار و تعالی

خروج باب ۲۵ آیه ۱۰ تا باب ۳۰ آیه ۳۸ را مرور کنید. هنگامیکه خداوند از موسی خواست تا خیمه عبادت را برپا کند، چقدر دقیق و جزئی نگر بود؟ این آیه در مورد شخصیت خداوند چه می‌گوید؟

وقتی خدا به موسی گفت تا خیمه ای «برای او» بسازد، موسی می‌توانست بگوید، «پروردگارا، اشکال ندارد! من از ۴۰ سال پیش از زمانی که از مصر گریختم، خیمه‌ها را برپا کرده‌ام فقط لحظه ای به من فرصت بده تا آنرا انجام دهم!». برای هر مردی که در فرهنگ نیمه چادر نشین مدیانی‌ها زندگی می‌کرد، برپایی چادر کاری ساده و آسان بود که هر روز آنرا انجام می‌دادند. او می‌توانست این کار را چشم بسته و ناخودآگاه انجام دهد، با اینکه به مسایل مهمتری فکر می‌کرد. اما آنچه که موسی انتظار آنرا نداشت، مجموعه از نقشه‌ها با جزئیات بود (که با ساختار بسیار ساده معماری تفاوت داشت)، مضاف بر اینکه یک لیست طویل از «نحوه طریقه ساخت» هر قطعه از اثاثیه و وسایل داخل آن و همچنین در مورد جامه‌های کاهنان، نزدیک به ۱۵۰ دستورالعمل دقیق و شرح جزء به جزء به او داده شد. برای ساختن یک خیمه ساده، موسی باید از روند مونتاز هفت مرحله ای پیروی و آنرا به انجام رساند (خروج ۲۵: ۲۳ تا ۳۰). توجه به جزییاتی که خداوند در ساختن ساختمان خیمه خود (و همچنین بعداً در دستورالعمل آیین‌های قربانی)، بیانگر تعالی روح برتر اوست، که مشتاق به ایجاد هر چیز در حد کمال و شاهکار آن است و به کمتر از آن راضی نمی‌شود. مواد و مصالح بکار رفته از بالاترین کیفیت برخوردار بودند، طراحی آن بی عیب و نقص بود، و در نتیجه

کاری بی نظیر به انجام رسید، پیام خداوند در اینجا شفاف و روشن است: «برای خداوند، کار سرسری و بی کیفیت قابل پذیرش نیست».

با اینحال، اگرچه به نظر می رسد که این معیارها در سطح بالایی بوده‌اند، اما این خود خدا بود که نه تنها عزم و انگیزه را ایجاد می کرد، بلکه منابع انسانی را برای دستیابی مهیا می نمود. ما در خروج ۳۱: ۱ تا ۳۵: ۳۰ تا ۳۶ می خوانیم که خدا خود مهارت‌های لازم را به افراد داده است. این مردان «با روح خدا پر شده بودند»، و همه افراد ماهری بودند که خداوند بدیشان مهارت و فهم بخشیده است تا بدانند چگونه باید کارهای مربوط به بنای قُدس را انجام دهند، باید درست مطابق آنچه خداوند فرمان داده است این کار را به انجام رسانند» (خروج ۳۶: ۱). علاوه بر آن، به دو استاد طراحی نیز «توانایی بخشیده شده بود که به دیگران تعلیم دهند» (خروج ۳۵: ۳۴). تا حاصل دانش و مهارت آنها همچنان در جامع اسرائیل پایدار بماند. اگرچه این دو فرد در داستان به عنوان رهبران برگزیده خداوند معرفی می شوند، افراد دیگری هم عطایای مشابهی را دریافت می کنند تا در این کار به آنان ملحق می شوند (خروج ۳۶: ۲).

بنابراین، بخاطر اینکه انسان موجودی سقوط کرده و گناهکار است، عذر و بهانه موجهی نیست تا در عوض نهایت اینتاگرگی، کم کاری از خود نشان دهیم. خدا از ما انتظار دارد که همیشه به بهترین وجه ممکن وظایف خود را انجام دهیم، و استعدادها، مهارت ها، وقت و آموخته هایمان را بخوبی برای مقاصد عالی بکار گیرم.

۱۹ آذر

چهارشنبه

کار و روحانیت

«اگر به روح زیست می کنیم، به روح نیز رفتار کنیم» (غلاطیان ۵: ۲۵). کار و معنویت لاینفک می باشند. مسیحیت جامه ای نیست که آنرا پوشید یا در آورد در حینی که خلق و خوی فرد تغییر می کند یا از مراحل مختلف زندگی عبور می کند. در عوض، مسیحیت خلقت تازه ای است که در هر بُعدی از زندگی او از جمله کار و حرفه فرد، خود را آشکار می سازد.

غلاطیان باب ۵: ۲۲ تا ۲۶ را بخوانید. ثمرات روح که در اینجا پولس آنرا توصیف می کند، و شما و حرفه تان را نیز توصیف می کند، کدامند؟

فرهنگ لغات تشریحی واژه های عهد جدید، فرد «روحانی» را به عنوان کسی توصیف می کند که «ثمرات روح القدس در او تجلی پیدا می کند» توصیف می کند. از اینرو، شاید به این نتیجه برسیم که ما انسانها از طریق ارتباطمان با مسیح در تمام جنبه های زندگی خود همانند ایمانداران عمل خواهیم کرد.

بیمار در بیمارستان فلوریدا بستری و در شرف موت بود و دوست صمیمی او شب را در کنار او گذراند. پرستاران مرتب برای مراقبت از بیمار و رفع نیازهای او به درون اتاق رفت و آمد داشتند. به دنبال رفت و آمدهای پرستاران سر صحبت میان آنان باز شد، و دوست بیمار از پرستاران پرسید که در کجا آموزش دیده اند. بسیاری پاسخ دادند که آنان در کالج بیمارستان فلوریدا تحصیل کرده اند.

این مسئله تاثیر زیادی بر روی دوست بیمار گذاشت. او چندین بار از آن کالج دیدار کرد تا از نزدیک شاهد آنچه در آنجا انجام میشود، باشد. چرا؟ زیرا او به همه گفته بود، به نظر می‌رسد پرستارانی که در آن کالج آموزش دیده اند بیشتر از کسانی که در جاهای دیگر آموزش دیده اند، با محبت تر و مهربان تر از دوست بیمار در حال مرگ او مراقبت می‌کنند. یعنی، او قادر بود از رفتار آنان نسبت به دوست بیمار در حال مرگش، تشخیص دهد که تفاوت بزرگی میان آنان با دیگر پرستاران وجود دارد.

بنابراین، او تحقیقات بسیاری را در مورد دانشکده و همینطور رسالت آن انجام داد و سرانجام هدیه ای به مبلغ ۱۰۰,۰۰۰ دلار به کالج برای آموزش پرستاران بیشتر همانند کسانی که او کار و عمل آنان را دیده بود، اختصاص داد. بله، روحانیت طریقی برای حیات است.

چگونه شما روحانیت خود را در کارهای روزمره زندگی خودتان نشان می دهید؟ چگونه آنرا بیان می کنید (زیرا، در نهایت، این شما هستید که آنرا آشکار می سازید)؟

۲۰ آذر

پنجشنبه

کار و مباشرت

«هر آنچه دستت برای انجام دادن بیابد، با تمام توان خویش انجام بده» (جامعه ۹: ۱۰). خردمندترین مردان از این سخنان پندآموز برای مباشرت در تمام جنبه های زندگی استفاده می کنند.

وقتی از آنها خواسته می شود تا در مورد مباشرت و نظارت مسیحی اظهار نظر کنند، بسیاری تفکرات و نظرات خود را فقط به وظایف و مسئولیت های مالی مسیحی محدود می کنند. اگرچه پول مسلماً جنبه مهمی از مباشرت است، اما محدود کردن آن تنها به مسائل مالی و پول، کوتاه نظرانه است. در نظریه سازمانی مباشرت برای توسعه و بکارگیری صحیح منابع موجود، به مسئولیت در اداره این منابع اشاره می شود.

خداوند با چه منابعی در کلیسا، ما را برکت داده است؟ پطرس به روشنی می گوید که هرکس دارای عطایایی می باشد که خالق به او بخشیده است؛ و او به مسیحیان به عنوان «کاهنان مقدس» اشاره می کند (اول پطرس ۲: ۵)، که در برابر خداوند مسئولیت

حفظ و نگهداری از همه این عطایا را بر عهده دارند که شامل پول، وقت، قوت و توان، استعداد، و غیره می باشد.

جامعه باب ۹: ۱۰ و اول قرنیتیان ۱۰: ۳۱ را بخوانید. چه پیامی برای همه ما در این آیات در مورد نحوه کار ما و آموزش دیگران برای کار کردن وجود دارد؟

یکی از مشکلات اساسی زندگی امروز، گرایش به محدود کردن جنبه های مختلف زندگی است. در زندگی شخص، جنبه های مختلفی مانند، کار، خانواده، مسائل روحانی، و حتی اوقات فراغت وجود دارد. تمایل به تفکیک جنبه های زندگی، نقطه مشترکی در بین آنها نمی گذارد که در بعضی موارد بتوان به آن توجه کرد. برای مثال، این درست نیست که مسائل کاری را به خانه آورد تا با مسئولیت های فرد در خانواده تداخل پیدا کند. و همچنین اوقات فراغت نباید منجر به محدود و کوتاه شدن زمانی بشود که ما باید با خدا بگذرانیم.

با این حال، چنین محدودیت هایی نباید بر نقش زندگی روحانی ما اعمال شود. کار مسیحیان در نتیجه مساعدت و مشارکت با خداوند رشد می یابد. حرفه ما انسانها وسیله ای است که از طریق آن می توانیم حضور خداوند را در زندگیمان تجربه کنیم. محصور کردن زندگی دینی ما، منجر به محدود کردن حضور خدا در یک روز، یک ساعت، و حتی فقط یک منطقه از زندگی، و مانع حضور او در تمام جنبه های زندگی ما می شود.

دو سؤال: نخست، از خود پرسید که آیا واقعاً شما زندگی روحانی خود را به بخشهایی طبقه بندی کرده اید. دوم، اگر شما این کار را کرده اید، چگونه می توانید بفمید که اجازه داده اید تا معنویت در تمام کارهایی که انجام می دهید، حاکم باشد؟

۲۱ آذر

جمعه

تفکری فراتر: بخوانید، پیدایش باب ۳؛ جامعه ۲: ۱۸ تا ۲۳؛ افسسیان ۶: ۵ تا ۸؛ الِن جی وایت، «سوسه و سقوط»، صفحات ۵۲ تا ۶۲، از کتاب مشایخ و انبیاء.

کار، لعنت است یا نعمت؟ به نظر می رسید که کار بخشی از لعنت در پیدایش باب ۳: ۱۷ باشد. یک مطالعه دقیق تر نشان می دهد که زمین تحت لعنت قرار گرفته بوده است، و نه کار. خانم الِن جی وایت اظهار می دارد که خداوند قصد داشت تا این ماموریت و وظیفه برای انسان به عنوان نعمتی باشد: «زندگی با کار سخت و زحمت و مراقبت که از این پس برای انسان مقرر شد که در ابتدا برای او با عشق و محبت تعیین شده بود. این

مجازات‌های بود که انسان در اثر گناهش مستوجب آن شد، تا تمایلات جاه طلبانه و زیاده خواهی هوای نفس او تحت کنترل در آید و انسان بتواند در کنترل نفس خویش رشد کند. این بخشی از طرح عالی خداوند برای احیای انسان گمراه و گمگشته در اثر عواقب گناه بود» (مشایخ و انبیا، صفحه ۶۰). آیا ممکن است که ما به خاطر یکنواختی کار و یا بخاطر بار سنگین آن در زندگیمان، از آن خسته و آنرا لعنت کرده باشیم؟ زندگی ما در هر وضعیتی که باشد، ما باید بیاموزیم که نسبت به کار، نگرش مناسب و مثبتی داشته باشیم. و آموزش مسیحی باید به مردم تعلیم دهد تا ارزش کار را بفهمند، در حالی که در عین حال از آن برای خود بت نسازند.

سؤالاتی برای بحث

۱. جامعه باب ۲: ۱۸ تا ۲۴ را بخوانید. چگونه سلیمان می تواند کار را یک نعمت و در همان بخش از کتاب مقدس آنرا یک لعنت قلمداد کند؟ در بطن این آیات چه اشاراتی شده که می تواند در نحوه نگرش ما به حرفه مان ایجاد تغییر کند؟
۲. از طریق کار و پیشه است که ما از خانواده خود مراقبت و حمایت می کنیم. چگونه می توانیم در مورد کار خود دیدگاهی مثبت را به خانواده خود انتقال دهیم؟
۳. گاهی میان انجام یک کار عالی و اعتیاد به پرکاری مرز باریکی وجود دارد. چگونه می توانیم از این مرز عبور نکنیم؟ (جامعه ۲: ۲۳).
۴. پولس بسیار شفاف اعلام می کند: «حتی هنگامیکه نزد شما بودیم دستور دادیم هرکس که نمی خواهد کار کند، حق غذا خوردن هم ندارد» (دوم تیموتائوس ۳: ۱۰). البته که این اصل بسیار پر معناست. چه نمونه هایی می توانند شامل این اصل نشوند؟ بدین معنا که، چرا باید اطمینان حاصل کنیم که این موضوع را قانون آهنین نسازیم که هرگز نباید شکسته شود؟